

تعامل فرانش‌ها در گفتمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی ابراهیم سلطان

چکیده

نظریه نقش‌گرا، رویکردی است که برای توصیف و تحلیل متن به کار می‌رود. این رویکرد با بررسی ساختار جمله، انواع متفاوت فرایندها و کارکرد، آن‌ها را در جمله تبیین می‌کند. بر این مبنا فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث و پدیده‌های جهان بیرون و درون به مخاطب عرضه می‌کند. در دیدگاه هلیدی فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانش اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شود. برای این اساس می‌توان به وسیله بررسی انواع فرایندهای موجود در افعال و تعیین بسامد وقوع آن‌ها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی فرایندهای به کاررفته در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیمین دانشور در رمان جزیره سرگردانی، ضمن توصیف تحولات سیاسی و اجتماعی دوران معاصر، دیدگاه‌های زنانه خود را در شخصیت هستی، انعکاس داده است و با استفاده از فرایندهای مادی و رابطه‌ای به توصیف و نقل حوادث پرداخته است و توانسته دیدگاه‌های خود را درباره اوضاع اجتماعی و جایگاه و نقش زن نشان دهد. همچنین فردوسی در داستان‌های هفت‌خوان، فرایندهای مادی را بیشتر به کار برده است که به دلیل تناسب موضوع و ساختار حماسی شاهنامه است. سراینده، حالات و ویژگی‌های مشارکین را در هر خوان با فرایند مادی توصیف کرده است تا خواننده بتواند درکی ملموس و عینی از داستان داشته باشد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی تبیین فرایندها در داستان جزیره سرگردانی و شاهنامه نسخه ابراهیم سلطان.

۲. بررسی رابطه بین متن و توصیفات ادبی بر مبنای بسامد انواع فرایندها در داستان جزیره سرگردانی و شاهنامه نسخه ابراهیم سلطان.

سؤالات پژوهش:

۱- کدام یک از فرایندها در رمان جزیره سرگردانی و هفت‌خوان شاهنامه فردوسی نسخه ابراهیم سلطان بیشتر به کار رفته است؟

۲- نقش و کارکرد فرایندها در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه ابراهیم سلطان چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: نظریه نقش‌گرا، فرانش اندیشگانی، سیمین دانشور، جزیره سرگردانی، شاهنامه فردوسی نسخه ابراهیم سلطان.

مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا از اواسط قرن بیست گسترش یافت. آندره مارتینه، فرث و هلیدی از جمله پیشگامان این زبان‌شناسی هستند. این نظریه بر پایه نقش و معنا استوار است و از نظریه سیستم - ساخت (system-structure theory) فرث تأثیر بسیار پذیرفته است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۴۵). این نظریه بعدها حول محور سیستم شکل گرفت و آن را زبان‌شناسی سیستمی یا زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا نامیدند. در دستور زبان نظام‌مند نقش‌گرا، برای تحلیل گفتمان، فرانش‌ها مورد توجه هستند. سه فرانش مورد توجه در چارچوب نظریه نقش‌گرایی، فرانش اندیشگانی (فرایند افعال)، فرانش بینافردی (وجه) و فرانش متنی است. فرانش‌ها همان بخش‌های بنیادین معنا هستند که به آن‌ها metafunction گفته می‌شود. در این دستور، برای تحلیل گفتمان، سه فرانش متنی، بینافردی و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود (ایشانی، ۱۳۹۴: ۹۵). فرانش اندیشگانی متضمن بازنمایی واقعیت و گویای محتوای کلام و گفتمان است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۲۷) و به دو کارکرد تجربی و منطقی تقسیم می‌شود (Halliday & Hasan, ۱۹۸۹: ۲۶). در کارکرد تجربی، کاربر زبان تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان بیان می‌نماید. محصول این کارکرد در جمله، گذرایی (transitivity) نامیده می‌شود که مؤلفه‌ای از فرانش اندیشگانی و مشخصه‌ای از جمله است و برای مشخص کردن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود (ایشانی، ۱۳۹۴: ۹۶).

ارتباط این موضوع با رمان جزیره سرگردانی به این دلیل است که از نظرگاه بررسی و تحلیل سبکی، کاربرد هر کدام و درصد بالایی هر فرایند، نشان‌دهنده دنیای ذهنیات و تفکرات نویسنده است که در قالب افعال نمودار شده است. برای مثال اگر در یک اثر واژگان و افعال بیشتر از نوع افعال ذهنی و خواب و رؤیا و دنیای درون باشد، سبک اثر از نوع داستان‌های سورئال و یا جریان سیال ذهن و مدرنیستی است. از سوی دیگر، کاربرد افعال دنیای واقعی که نشان از فعالیت‌های روزمره و درگیری شخصیت داستانی با اتفاقات روزانه و فعالیت‌های زندگی است، سبک داستان از نوع داستان‌های واقع‌گراست. بررسی این فرایندها در داستان جزیره سرگردانی سیمین دانشور، علاوه بر تبیین سبک اثر، دیدگاه‌ها و گرایش‌های زنانه نویسنده را مشخص می‌کند. نویسندگان زن معتقدند به دلیل ارتباط زنان با روایت و بیان تجربه زنانه در زندگی، رمان بهترین نوع ادبی است که ظرفیت بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های زنان را دارد. به همین دلیل با بررسی و تحلیل فرایند افعال در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان و تبیین ارتباط آن با شخصیت‌ها و وقایع داستان، می‌توان به دیدگاه‌های نویسنده پی‌برد که در متن پنهان شده است. بنابراین نظریه نقش‌گرای هلیدی بهترین تجلی‌گاه دیدگاه‌های نویسنده است که در متن پنهان شده است و از این طریق می‌توان به گفتمان غالب اثر دست یافت. یعنی در این رویکرد با استفاده از ساحت برون متن، می‌توان به درون متن و ارتباط آن با بافت موقعیتی که متن در تعامل با آن شکل گرفته است، پی‌ببریم.

درباره آثار دانشور پژوهش‌هایی چند به رشته تحریر درآمده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: ایشانی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» به بررسی افعال موجود در داستان‌های کوتاه سیمین دانشور براساس این رویکرد پرداخته است و معتقد است با بررسی انواع فرایندها و بسامد کاربرد آن‌ها، می‌توان به سبک مورد نظر نویسنده دست یافت. همچنین باقرزاده (۱۳۸۹) در

رساله خود با موضوع «بررسی شگردهای بیانی در داستان‌های سیمین دانشور و منیر روانی‌پور» به بررسی شاخص‌های زبانی در سطح آرایه‌های ادبی و شگردهای بلاغی در آثار سیمین دانشور و منیر روانی‌پور پرداخته است. نویسنده عناصر داستانی آثار دانشور و روانی‌پور را مورد بررسی قرار داده است. او به این نتیجه رسیده که هر دو نویسنده تقریباً از همه عناصر داستان در ارائه مفاهیم موردنظر بهره گرفته‌اند و از میان آرایه‌های ادبی تشبیه، تشخیص، تمثیل و تجسم از پُرکاربردترین شاخص‌های به کار گرفته است. همچنین مقالات و رساله‌های دیگری نیز درباره آثار سیمین دانشور نوشته شده است که بیشتر به بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی آثار نویسنده پرداخته‌اند. نکته حائز اهمیت درباره شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان است که تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است و در این پژوهش برای نخستین بار به معرفی آن و کارکرد فرانش‌ها در داستان‌های هفت‌خوان پرداخته می‌شود. وجه ممیزه پژوهش حاضر به این دلیل است که کوشیده با مطالعه بافت متن، به بافت موقعیت و دیدگاه‌های فکری نویسندگان دست یابد. یعنی ابتدا واحد تحلیل جمله و فعل و صورت متن است، بعد براساس آن‌ها به تحلیل دیدگاه‌های نویسنده می‌رسد و این نوع تحلیل در آثار دانشور بدیع و نو است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل‌ها نشان داد فرایندهای مادی و در مرتبه دوم فرایندهای رابطه‌ای در رمان جزیره سرگردانی از بسامد بسیار بالایی برخوردار هستند. بسامد بالای فرایند مادی کاملاً در راستای اهداف نویسنده به کار رفته است؛ موضوعی که حاکی از ارتباط شخصیت‌های داستانی با جهان بیرون و کنش‌پذیری و نقش‌پذیری بیشتری دارند. این مسأله بیانگر آن است که دیدگاه دانشور دیدگاهی واقع‌گرایانه است و برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب و جلب توجه خواننده در بیان تجارب بیرونی و دورنی خود از این فرایند بیشتر سود جسته است. دانشور برای اینکه حوادث زمانه خود را ملموس‌تر و واقعی‌تر به خواننده بنمایاند، از افعالی استفاده می‌کند که بر رخدادهای مادی واقعی دلالت دارند، بسامد بالای فرایندهای مادی، فضای داستان را از حالت انتزاعی و غیرملموس دور می‌سازد و در نتیجه سبب می‌شود که داستان و مسائل مطرح شده در آن برای خواننده باورپذیر شوند. در رمان جزیره سرگردانی، شخصیت اصلی زن داستان (هستی) درگیر اتفاقات و رخدادهای سیاسی و اجتماعی است؛ انسانی واقع‌گراست و خود تصمیم می‌گیرد که چگونه عمل کند؛ ترس و فعالیت‌های ذهنی زنانه که در وجود زری در رمان سووشون بود، در شخصیت هستی وجود ندارد و هستی یک شخصیت کنشگر و فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی است. به همین دلیل از نظرگاه سبکی می‌توان در رمان جزیره سرگردانی سیر تحول دیدگاه نویسنده را نسبت به شخصیت‌های زن داستان مشاهده کرد که چگونه شخصیت زن داستان را از انفعال و درگیری‌های ذهنی خارج کرده و به عرصه اجتماع کشانده و یک شخصیت فعال و کنشگر ساخته است. از آنجاکه رمان دانشور جنبه توصیفی و کنشی دارد، فرایندهای رابطه‌ای بعد از فرایندهای مادی در جایگاه دوم قرار گرفته است؛ امری که فضای داستان را متنوع کرده و میدان را برای جلب توجه مخاطب از حالت توصیف به عمل و برعکس از حالت کنشی به توصیفی فراهم می‌سازد. نکته دیگر اینکه دانشور

در فرایند رابطه‌ای، میان پدیده‌های انسانی و غیر انسانی پیوند برقرار کرده است. در فرایند رابطه‌ای نویسنده با نسبت دادن ویژگی‌های متعدد به عناصر طبیعی و غیر طبیعی، فضایی توصیفی در داستان‌ها خود ایجاد کرده است.

از دیگر موارد مورد بررسی در این مقاله، شاهنامه دست‌نویس ابراهیم سلطان است که با استفاده از تذهیب و نگارگری در ۱۷۶ مینیاتور، ابیات شاهنامه را نوشته است. مجموع ابیاتی که در این لوحه‌ها ثبت شده، حدود پنجاه هزار بیت است. از نکته‌های جالب توجه در این نسخه دست‌نویس، آوردن مقدمه شاهنامه ابومنصوری است. در پژوهش حاضر بر مبنای دستور نقش‌گرای هلیدی، فرایندهای شش‌گانه مادی، رابطه‌ای، رفتاری، وجودی، ذهنی و بیانی در هفت‌خوان رستم بررسی شده است. در هفت‌خوان رستم فرایند مادی در میان شش فرایند نظام‌گذاری بیشترین بسامد را داراست که منعکس‌کننده مناسب آن با بافت حماسی شاهنامه فردوسی است و داستان هفت‌خوان که شرح هفت مرحله جنگاوری رستم تا نجات کیکاووس از اسارت دیو مازندران است، جنگ و ستیز و کنشی فیزیکی است که به صورت ذهنی یا بیانی صورت نمی‌گیرد. بنابراین میان فراوانی فرایند مادی و سایر فرایندها تفاوت معناداری وجود دارد و از سوی دیگر خصوصیات مشارکین در هر خوان به گونه‌ای توصیف گردیده تا خواننده بتواند درکی ملموس و عینی از داستان داشته باشد و این خود دلیلی بر بسامد بالای فرایند مادی در این داستان است که باعث گردیده، هر خوان همانند صحنه‌های نمایش در برابر دیدگان به تصویر درآید. از نکات درخور توجه در این بررسی، شباهت هر دو اثر در کاربرد فرایندهاست. به گونه‌ای که به ترتیب در هر دو اثر فرایند مادی در مرتبه اول و فرایندهای بعدی از جمله رابطه‌ای و بیانی و وجودی و ذهنی به ترتیب در مراحل بعدی است. نتیجه‌ای که از کاربست این نوع بررسی در دو اثر به دست می‌آید این است که هر دو اثر به دلیل اینکه بازتاب‌دهنده حوادث و اتفاقات رخ داده برای شخصیت‌های داستانند از افعال مادی و سپس رابطه‌ای بیشتری بهره را برده‌اند.

منابع

- ابراهیم سلطان. (۱۳۹۸). شاهنامه ابراهیم سلطان، به کوشش فیروزه عبدالله‌یوا و چالز پیتز ملویل، تهران: فرهنگستان هنر.
- ایشانی، طاهره و لطیف، نرگس. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، مجله پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۸۵-۱۰۸.
- دانشور، سیمین. (۱۳۷۲). جزیره سرگردانی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی. تهران: انتشارات سخن.
- فضائی، سیده مریم و ابراهیمی، شیما. (۱۳۹۳). «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفت‌خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۴، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۶). جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور. تهران: انتشارات نیلوفر.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: نشر مرکز.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). ادبیات داستانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
- نویدی، عبدالوحید. (۱۳۹۵). الأسلوبیة فی رثائیات عند شریف رضی و هندی و جواهری (دراسة مقارنة)، رساله دکتری، جامعه تهران.
- Halliday, M., Matthiessen, C. M., & Matthiessen, C. (۲۰۱۴). *An introduction to functional grammar*. Routledge.
- Halliday, M. A. K. (۱۹۷۸). *Language as social semiotic: The social interpretation of language and meaning*. Hodder Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (۱۹۸۹). *Language, context, and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective*.
- Halliday, M.A.K. (۱۹۹۴) *an introduction to functional grammar revised by Christian M.I.M. Matthiessen*. New York: Arnold.
- Leech, G. N. and M. H. Short. (۱۹۸۱). *Style in fiction*, London: Longman.
- Simpson, P. (۲۰۰۴). *Stylistics: A resource book for students*. Psychology Press.
- Thompson, G. (۲۰۱۴). *Introducing functional grammar*. ۲nd edition. Oxford university press.